

فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت  
دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۹۳

Research Journal of Islamic Philosophy and  
Theology of Shahid Beheshti University  
کد مقاله: ۱۹۹۲۶

## وظیفه‌گرایی و اصل مسئولیت معرفتی در دنیای سایبری

حسین زحمتکش\*  
یعقوب جوادی\*\*

### چکیده

یکی از بارزترین ویژگی‌های عصر اطلاعات و شبکه‌های ارتباطاتی، انفجار اطلاعات و رشد بسترهای جدید دستیابی به اطلاعات است. بی‌تردید، یکی از اصلی‌ترین محمل‌های مطرح برای نیل به داده و به تبع آن حصول به اطلاعات و شکل‌گیری باورها، دنیای مجازی اینترنت است. بانگاهی به ملزومات مطرح در دنیای سایبری، می‌توان دریافت که تعریف سنتی از معرفت و تأکید بر باور صادق موجه برای نیل به معرفت در دنیای مجازی، با نقائصی همراه است. وجود الگوریتم‌های فیلتری و فرایندهای فنی مطرح در دنیای سایبری، شناساگر را ملزم می‌کند به مؤلفه جدیدی به نام اصل مسئولیت معرفتی و وظیفه‌گرایی معرفتی توجه کند. این مقاله، با روش تحلیلی و واکاوی تعریف سنتی موجود از مثلث معرفتی که بر سه رکن باور، صادق و موجه تأکید دارد، می‌کوشد ضرورت توجه به تغییر شکل هندسی این مثلث سنتی به مربع جدیدی را برجسته کند که متضمن اصل مسئولانه بودن روند شکل‌گیری باور در دنیای سایبری باشد.

کلید واژه‌ها: وظیفه‌گرایی، باور، معرفت‌شناسی، اصل مسئولیت، دنیای سایبری و اینترنت.

honzh@yahoo.com

\* عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران  
\*\* دانش‌آموخته دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۹

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۳

## مقدمه

با نگاهی به نحله‌های قوام یافته در سیر معرفت‌شناسی، با تعریفی سنتی از معرفت مواجه می‌شویم که سه واژه کلیدی را به عنوان اضلاع تشکیل دهنده مثلث تعریف معرفت مطرح می‌کنند. این سه واژه عبارت‌اند از باور صادق موجه. از این منظر، مؤلفه‌های باور، صادق و موجه عناصر شاکله و ضروری معرفت ترسیم می‌شوند و معرفت زمانی حاصل می‌شود که نخست باور وجود داشته باشد و مقوله مورد باور، صادق باشد و در نهایت اینکه توجیهی هم بر آن مترتب باشد. این تعریف سنتی از معرفت، پایه‌های مباحث خرد و کلان را در حوزه معرفت تشکیل می‌داده است و اینکه ماهیت این سه عنصر ماهوی معرفت و نسبت و تلازم آنها به چه صورت است. البته با انتشار مقاله چالش آفرین ادموند گتیه، کفایت یا عدم کفایت این تعریف از معرفت، محل سؤال قرار گرفت (Gettier).

همواره این پرسش اساسی ذهن معرفت‌شناسان را به خود مشغول داشته که معرفت چیست و اجزای آن را چگونه می‌توان در کنار هم قرار داد و مهم‌تر از همه اینکه این اجزا چیستند و چستی آنها چه تناسبی با کارکردشان دارد. در فراز و فرودهای تعابیر مختلف از باور و مکاتب سلف و نوین مطرح در این حوزه و به‌ویژه با تکامل علوم شناختی و خیزشی آگاهانه برای واکاوی معرفت و مفصل‌بندی علمی معرفت، جد و جهدها برای تبیین مفهوم باور و صادق یا کاذب بودن باورها، اهمیتی دوچندان پیدا کرد. اهمیت این مسئله به حدی افزایش یافت که به زعم برخی پژوهشگران، تعابیری از قبیل باورشناسی مترادفی برای معرفت‌شناسی شدند (Williams, P.145).

بر همین اساس، گذر انسان از عصر ماشین به هزاره جدید و عصر جدید که آن را به درستی عصر اطلاعات نامیده‌اند، پرسش‌هایی از منظر خرد و کلان در حوزه مسائل مربوط به باور و باورهای صادق موجه مطرح کرد. انسان عصر اطلاعات با انبوهی از داده‌ها مواجه شده است که او را با انفجاری از داده‌ها متحیر کرده است. انسان محصور در این ورطه داده‌ها، برای شکل‌دهی به باورهای خود و رسیدن به باورهای صادق موجه، با چالش‌هایی مواجه است که هم از نظر کمیت و هم از نظر محتوا و کیفیت، تفاوت‌هایی با روندهای منتهی به شکل‌گیری باور در اعصار گذشته دارد. پرسش‌های جدی مطرح در این میان آن است که آیا این انفجار داده‌ها سبب گسترش معرفت می‌شود یا خیر؟ آیا رخ

نمودن کوه اطلاعات از پس محاق فضاهاى اطلاعاتى جدید از قبیل بسترهاى مجازى اینترنت، به عمق معرفتى منجر مى‌شود یا اینکه سراى بیش نیست که به سطحى‌گرایی معرفت منتج مى‌شود؟ راه‌هاى تعمیق بخشیدن به معرفت در عصر اینترنت و فضاهاى چندبعدى در هم تنیده سایبرى چیست؟ نقش باورنده در این معادله معرفتى چیست و آیا شناساگر نقشى پررنگ‌تر پیدا کرده یا خیر و این نقش‌آفرینی را بر اساس کدامین چارچوب مى‌توان ساختارمند کرد؟ مقاله پیش روی در تلاش است با واکاوى مفهوم باور صادق موجه و تبیین نسبت آن با عصر اطلاعات، گامی در جهت پاسخ دادن به این پرسش‌ها بردارد و رویکرد خود را بر این اصل استوار مى‌کند که فضای سایبری به علت نوع چالش‌های مطرح در آن، ایجاب می‌کند شناساگر مسئولیت‌پذیری بیشتری در حوزه معرفتی داشته باشد و با حرکت در مسیر وظیفه‌گرایی معرفتی بتواند به معرفتی صائب‌تر دست یابد و این اصل در فضای سایبری به مؤلفه‌ای کلیدی در رسیدن به معرفت به شمار می‌آید.

#### **باور صادق؛ چالشی دیرینه**

عزیمت در مسیر معرفت بدون گذر از ایستگاه تبیین تعریف باور و بعد کاذب یا صادق بودن آن، راه به بیراهه بردن است و در نتیجه، گذری هرچند کوتاه بر دیدگاه‌های غالب در این خصوص را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. طبقه‌بندی‌های مختلف در باره مکاتب مختلف مطرح در باره مؤلفه‌های معرفت مطرح شده است که برخی از آنها با مبنا قرار دادن مثلث باور صادق موجه به کالبدشکافی معرفت می‌پردازد و شماری از آنها یک یا دو ضلع از این شکل هندسی را حذف می‌کنند و/ یا مؤلفه‌های دیگری را به آن می‌افزایند تا شکلی متفاوت از این هندسه کهن ترسیم شود. ناگفته پیداست است که ورود به بحث از هر یکی از این دریچه‌ها با توالی خاص خودش همراه است. برای نمونه، اگر نقشه راه ما مشیء افلاطونی با ناسازگار تلقی کردن باور و معرفت باشد، زاویه دید ما با دیدگاه‌های قائل بر جدا بودن ساحت‌های معرفت و باور کاملاً متفاوت خواهد بود.

در مجموع، می‌توان گفت چهار مکتب اصلی در باره باور و معرفت وجود دارد. دیدگاه معروف سنتی، دیدگاه افلاطونی است که باور و معرفت را دو هویت دوگانه و

مجزا از هم می‌داند و وجه تأکیدش بر ناسازگاری این دو است. مسلک دوم در این حوزه، دیدگاهی کاملاً متفاوت دارد و معرفت و باور را با هم متلازم می‌داند. این تفسیر از ارتباط معرفت و باور، مورد قبول بسیاری از صاحب‌نظران این حیطه از جمله آیر است (ibid, P.69). دیدگاه سوم، قائل به دو ساحت متفاوت برای معرفت و باور است اما این دو ساحت را از هم جدا می‌داند. مکتب چهارم که در نگرش‌های رفتارگرایانه به حوزه معرفت، برجسته‌تر می‌شود، شمشیر انکار بر عنصر باور کشیده است و از اساس، باب خود را به روی موجودیت این مقوله در دایره معرفتی بسته است (Goldman, *pathway to Knowledge*, P.132). بی‌گمان ورود به مقوله‌هایی از قبیل فرایند شناخت، کارکرد ذهن، شکل‌گیری معنا، صدق و کذب و امثال آن از هریک از دروازه‌های چهارگانه فوق، محقق را به شهرهایی متفاوت و گاه کاملاً متضاد از هم رهنمون می‌شود.

از این رو، در ورود به این هبوط خانه معرفتی، ترسیم ایستگاه نخست و نگاه کلان در باره مسیر، در همان ابتدای کار بسیار ضروری است. با عنایت به روشن شدن همین مبحث در ابتدای کار شایان ذکر است که در مقاله پیش روی، از منظر مکتب دوم به مقوله باور و معرفت نگریسته شده است که باور و معرفت، متلازم هستند و رسیدن به معرفت بدون حضور عنصر باور امکان‌پذیر نیست. بانگاهی به آموزه‌های افلاطون در حوزه معرفت می‌توان دریافت باور و معرفت با وجود ناسازگار بودن، مکمل هم به شمار می‌روند.

البته خطا پذیری ویژگی خاص باور است و نه معرفت یا به بیان دیگر، معرفت کاذب یا صادق تناقض ماهوی دارد و موجودیت پیدا نمی‌کند اما باور ممکن است در یکی از دو حالت صادق یا کاذب قرار بگیرد. از این حیث که خاستگاه نگاه سنتی به معرفت است، باور مؤلفه‌ای ضروری و لازم برای معرفت است گرچه شرط کافی آن به شمار نمی‌رود. از این نگاه، معرفت در قالب معرفت تصدیقی قرار می‌گیرد که در خوانش‌های مختلف معرفتی و دینی، نام‌های مختلفی بر آن نهاده‌اند. آنچه از بازخوانی تفسیرهای شرقی و غربی از این مؤلفه معرفت برمی‌آید این است که عنصر باور در معرفت لازم است و در واقع باور، پل ارتباطی بین شناساگر و گزاره است.

با ضروری تلقی کردن باور در راه دستیابی به معرفت، این پرسش مطرح می‌شود که باور صادق یا کاذب در عصر اطلاعات چه جایگاهی پیدا می‌کند که در ذیل به آن می‌پردازیم.

### عصر اطلاعات

به تعبیر مانوئل کاستلز، در پایان هزارهٔ دوم، جهانی نو در حال سر برآوردن است که شاید مهم‌ترین و اصلی‌ترین مؤلفهٔ آن در این عصر جدید، جامعهٔ شبکه‌ای در بستر عصر اطلاعات است. شروع انقلاب اطلاعاتی در دههٔ ۱۹۷۰ از مهد فناوری کالیفرنیا معروف به درهٔ سیلیکان، جریان عظیمی را در جهان به وجود آورد که نسوج جامعهٔ بافتاری گذشته را درهم کوبید و با سیری دو چندان، انبوهی از اطلاعات و داده‌ها را پیش روی انسان قرار داد و با دیجیتالی شدن این عصر و تبادل اطلاعات، ترن هوایی داده‌های در معرض شناساگر سرعتی سرسام‌آور پیدا کرد که شناسایی باور صادق و کاذب را دشوارتر کرد. برآوردها نشان می‌دهد داده‌های افزوده شده به دنیای دیجیتال، به یک زتا بایت (zettabyte) معادل ده به توان بیست و یک رسیده است (Battelle, P.63). برای اینکه این داده‌ها را به اطلاعات و در نهایت به دانش تبدیل کنیم، به ساختارسازی اطلاعاتی نیاز داریم که در شکل‌گیری معرفت هم دخیل است (Humphreys, P. 227).

در عصر دیجیتال، موتور جستجوهای از قبیل گوگل و یاهو، به ابزارهایی برای رسیدن به اطلاعات یا به تعبیری، نیل به دانش و معرفت تبدیل شده‌اند. انتظار کاربر این است که با وارد کردن عبارت‌های مورد جستجو، به نتایجی مرتبط دست پیدا کند. در واقع، شمار فزاینده‌ای از کاربران در دنیای امروز به ویژه جوانان، به اینترنت و فناوری‌های برخط مرتبط با آن به چشم اصلی‌ترین منبع تامین اطلاعات خود نگاه می‌کنند.

کاربران با استفاده از همین اطلاعات که از طریق شبکه اینترنت و فناوری‌های نوین به دست می‌آورند، باورهای خود را شکل می‌دهند و همین باورها در شکل گرفتن معرفت آنها نقش کلیدی ایفا می‌کند بدون آنکه غالباً به این سؤال اساسی توجه شود که این باورها چه جایگاه توجیهی دارند یا به بیان دیگر، آیا به عنصر توجیه در رسیدن به باور صادق موجه، توجه کافی می‌شود یا خیر (Hofer & Pintrich, P.145). بی‌تردید، مسائل

فنی مطرح در بانک داده‌ها و نوع چینش و فهرست کردن اطلاعات برون داد در این موتورهای جستجو به گونه‌ای است که فهم آن برای کاربر معمولی اینترنت، آسان نیست. اما آیا صعوبت یک مسئله می‌تواند استدلالی برای نپرداختن به جایگاه عنصر اصالت منابع در رسیدن به باور صادق در این معادله معرفتی باشد؟

وقتی عبارت‌هایی را در موتور جستجوهای از قبیل گوگل وارد می‌کنیم انتظارمان این است که نتایجی مرتبط نمایان شود. اما در واقع، کاربر نمی‌داند که در پشت پرده ابراینترنتی چه فرایندی در جریان است و موتور جستجوها چگونه اطلاعات را فراخوان یا مرتب و در نهایت، ارائه می‌کنند (Introna & Nissenbaum, P.14). با جود این جهل فرایندی، کاربران بویژه کاربران جوان بخش قابل توجهی از باورهای خود را با استفاده از اطلاعاتی شکل می‌دهند که از طریق فناوری‌هایی از قبیل اینترنت به دست می‌آورند.

از این منظر، لازم است به مؤلفه دیگری هم در کنار سه ضلع مثلث معرفت یعنی باور، صادق و موجه برای نیل به معرفت توجه داشت که به عنصر مسئولیت معرفتی و حیطه وظیفه‌گرایی معرفتی مربوط می‌شود. در واقع، باید توجه داشت که اتکای معرفتی بیش از اندازه به فناوری‌های دیجیتالی سبب می‌شود به اصل دیگری در رسیدن به معرفت توجه شود که اصل مسئولیت است (Origi, P.49). اصل مسئولیت بر این نکته تأکید دارد که باور تا اندازه‌ای موجه است که شناساگر آن را به گونه‌ای مسئولیت پذیرانه شکل داده باشد و با این رویکرد مسئولیت پذیرانه می‌کوشد به باورهایی صادق موجه برسد. این نگرش، دقیقاً با نگاه وظیفه‌گرایی در حوزه معرفت‌شناسی منطبق است (Kornblith, P.38).

### وظیفه‌گرایی و اصل مسئولیت

وظیفه‌گرایی که یکی از نگرش‌های مطرح در معرفت‌شناسی است بر این نکته تأکید دارد که باورنده موظف است تا حد امکان از باورهای کاذب اجتناب کند و با حداکثر قدرت به سمت نیل به باورهای صادق برود (Williams, P.204). از این رویکرد با عنوان وظیفه معرفتی (Epistemic Duty) نیز یاد می‌شود. اما آیا وظیفه معرفتی همواره تحقق می‌یابد؟ وقتی باورهایی بر باورهای دیگر بنا نهاده شده‌اند و صدق و کذب باورهای اولیه یا سازوکارهای حصول به آن مشخص نیست، باورهایی در شناساگر شکل می‌گیرد که

محل سؤال است. در واقع، شرط صدق یکی از گرایش‌های اصلی مدنظر شناسنده در نیل به معرفت است. البته باید مدنظر داشت که باورهای کاذب وجود دارند اما معرفت کاذب تناقض ذاتی دارد و موجودیت ندارد. آنچه در این میان سبب می‌شود به باور منتج به معرفت نائل شویم شرط صدق است که شرطی لازم است و نه کافی چراکه عنصری همانند توجیه مطرح می‌شود و اینکه آیا حصول به باور، تصادفی بوده است یا توجیهی برای نیل به باور وجود خارجی داشته است.

هرگاه از مبحث وظیفه‌گرایی در حوزه باور صحبت می‌شود باید به این نکته عنایت کافی داشت که وظیفه‌گرایی در این حوزه با آنچه وظیفه‌گرایی کانتی خوانده می‌شود تفاوت‌های اساسی دارد. تعبیر کانت از وظیفه‌گرایی به مدلول‌های دیگری اشاره دارد که در حوزه معرفتی تفاوت‌های محسوسی با آن وجود دارد. وقتی از وظیفه‌گرایی در حوزه باور سخن رانده می‌شود مراد اصل وجود تکالیف و وظایفی است که شناساگر در باره باور باید به آن توجه داشته باشد (Williams, P.132). برای نمونه، از منظر وظیفه‌گرایی بر این نکته تأکید می‌شود که برای رسیدن به باورهای صادق موجه که هدف فعالیت‌های شناختی است وظایفی از حیث توجه به اصالت منابع باور متوجه شناساگر است و شناسنده نمی‌تواند هر منبعی را به عنوان آبخوری برای نیل به معرفت قبول کند.

معتقدان به وظیفه‌گرایی در حیطه باور نیز به نحله‌های مختلف طبقه‌بندی می‌شوند. یکی از معروف‌ترین چهره‌های نگاه وظیفه‌گرایانه در مورد باور، جان لاک است که وجه تأکید او وجود وظایف معرفتی است. گروه دیگری از وظیفه‌گرایان همانند کلیفورد بر وجه اخلاقی وظایف تأکید دارند. جریان سومی هم در حوزه وظیفه‌گرایی معرفتی وجود دارد که تمرکز بر وظایف مصلحت‌اندیشانه است. ویلیام جیمز از جمله کسانی است که در نحله سوم قرار می‌گیرد (Fagnant & Crahay, P.262).

موضوع دیگری که در این میان محل توجه است، اصل مسئولیت عملیاتی است کورنبلث تأکید دارد که باور موجه، باور مسئولانه است. براساس این اصل، باور به اندازه‌ای موجه است که به گونه‌ای مسئولانه شکل گرفته باشد و شناسنده مسئولیت‌پذیر، فردی است که هرکاری بتواند انجام می‌دهد تا به باورهایی درست و منطقی برسد (Kornblith, P.39). از این منظر، فردی که از نظر معرفتی مسئولیت‌پذیر است تلاش

می‌کند به باورهای صادق موجه برسد و در نتیجه می‌کوشد باورهایش از طریق فرایندهایی شکل بگیرد که به باورهای صادق موجه منجر شود و در نتیجه اعمالش هم براساس همین اصل حرکت می‌کند.

درست از همین منظر است که اصل مسئولیت با نظریه‌های قابلیت اطمینان معرفت (Reliabilism) مرتبط می‌شود. یکی از مطرح‌ترین نظریه‌های این حوزه، قابلیت اطمینان معرفت از منظر فرایندی است که تأکید دارد باور موجه از طریق فرایند شناختی قابل اطمینان شکل می‌گیرد (Goldman, Reliabilism, P.83). حال اگر پیوند اصل مسئولیت با اصل قابلیت اطمینان معرفت با اصول وظیفه‌گرایی معرفتی را در نظر بگیریم، این پرسش جدی مطرح می‌شود که وقتی کاربری در فضای سایبری به دنبال اطلاعاتی می‌گردد تا از طریق آن به شکل دهی باورهای جدید مبادرت کند، جهل یا غفلت او از روندهای جاری در تولید برون داده‌ای در موتورهای جستجو چه جایگاهی پیدا می‌کند؟ به بیان دیگر وقتی شناسنده نمی‌داند چه حباب فیلتری در پشت سر چهره نرم اینترنت در جریان است، آیا می‌توان گفت عملکردش مسئولانه بوده است تا به باوری صادق و موجه دست پیدا کند؟

کورنبلیت تلاش می‌کند که مفاهیم توجیه، اقدام و مسئولیت را با هم مرتبط کند (Kornblith, p.34). در مواقعی وقتی این پرسش مطرح می‌شود که آیا باور موجه است، منظور این است که آیا باور محصول اقدام مسئولانه معرفتی است یا خیر. بر اساس این نگاه، شناسنده باید اقداماتی را صورت بدهد که پیش‌نیاز رسیدن به باور صادق موجه است. بنابراین، کاربر اینترنتی که می‌خواهد از یک موتور جستجو برای رسیدن به اطلاعاتی برای شکل دادن به باورهایش استفاده کند باید گام‌هایی را بردارد تا از معتبر بودن فرایند منجر به تولید داده‌ها و اطلاعات مطمئن شود (Foley, P.320). بر اساس این نگاه، جهل کاربر از مسائل فناوری و حباب فیلترها و دیگر مسائل فنی نمی‌تواند دلیل محکمه‌پسندی باشد تا براساس آن به دفاع از خودش بپردازد و بگوید به مسئولیت و وظیفه معرفتی خود عمل کرده است. از این منظر، کاربر اینترنت باید اطمینان حاصل کند منبع اطلاعات و داده‌هایی که می‌خواهد از آن برای شکل دادن به باورش استفاده کند،



نگاه غرض‌آلود یا زاویه‌دار به مسئله مدنظر ندارد و درعین حال، اطلاعات به اندازه لازم کافی است.

وقتی خاستگاه نگاه به موضوع باور و معرفت، تأکید بر اصل مسئولیت و وظیفه‌گرایی معرفتی باشد، نوعی عامل محدود کننده برای توجیه پیش می‌آید به این معنا که فرد فقط در صورتی باور صادق موجه به موضوعی دارد که باورش مسئولانه باشد (Coady, P.281). این مسئولانه بودن باور، در حوزه دستیابی به اطلاعات در دنیای سایبری، امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد چرا که شناساگر با اقیانوسی از داده‌ها مواجه است و تشخیص سره از ناسره برای رسیدن به باور صادق، اهمیتی دوچندان می‌یابد. لذا، شایسته است که در استدلال‌های معرفتی در باره باور صادق موجه در عصر سایبری، ضلع چهارمی هم به مثلث سنتی اضافه شود که عبارت است از اصل مسئولانه بودن روند شکل‌گیری باور و مسئولیت معرفتی در این روند.

#### از مثلث باور تا مربع مسئولیت معرفتی

همان‌طور که اشاره شد وقتی عنصر مسئولیت معرفتی و مسئولانه بودن روند شکل‌گیری باور برجسته می‌شود، دیگر تعریف قدیمی از معرفت براساس باور صادق موجه کفایت نمی‌کند و علاوه بر سه ضلع مذکور که شاکله مثلث معرفتی هستند باید ضلع دیگری هم افزوده شود که به عنصر مسئولیت معرفتی دلالت دارد. ماحصل این نگاه، شکل‌گیری مربع جدید معرفتی است. از این منظر، کاربری که می‌خواهد از موتور جستجویی به اطلاعاتی دست پیدا کند، باید رفتارش به گونه‌ای باشد که از نظر معرفتی مسئولانه باشد چرا که بدون رعایت این اصل، نمی‌تواند به باورهایی صادق و موجه دست یابد.

با این اوصاف، شناسنده‌ای که می‌خواهد از فضای سایبری برای شکل‌دهی به باورهایش استفاده کند، باید به روندهای تولید برون‌داد از طریق موتور جستجوها و سازوکارهای مشابه آن، عنایت کافی داشته باشد چرا که در غیر این صورت، به شکل‌دهی باوری غیرمسئولانه متهم خواهد شد یا آن‌گونه که کورنبلیت می‌گوید باور او فاقد توجیه است (Kornblith, P.36). اما باید توجه داشت که وقتی از اصل مسئولیت سخن گفته می‌شود این اصل مقید به صفتی است که از آن با عنوان "عملیاتی" یاد می‌شود. منظور از

عملیاتی بودن آن است که در مقام عمل، امکان پذیر باشد به این صورت که ادای مسئولیت معرفتی با امکانات شناساگر امکان پذیر باشد (Simon, P.349). با این اوصاف، هر شناساگری نمی تواند هر نوع بررسی و واکاوی را انجام بدهد تا به باور صادق موجه برسد و محدودیت های مختلف برخاسته از شرایط و موقعیتش، او را محدود خواهد کرد.

وقتی از عملیاتی بودن مسئولیت در رسیدن به باور در دنیای سایبری سخن به میان می رود، خواه ناخواه توجه ها به سمت امکانات فناوری معطوف می شود و اینکه شناساگر از نظر فناوری و اطلاعات فنی تا چه حد قادر است دایره ای از دانش و شناخت را داشته باشد تا به فرایندهای فنی تولید داده ها در دنیای اینترنت وقوف محتوایی و معنایی داشته باشد. بی تردید، تضمین کننده این هدف نیز وجود ابزارهای لازم برای این کار است. در واقع وجود یا فقدان این ابزارهای لازم می تواند مشخص کننده آن باشد که آیا شناسنده به مسئولیت معرفتی خود در این حوزه عمل کرده است یا خیر (Simpson, P.439). بی گمان، درک همه الگوریتم های پیچیده ای که موتورهای جستجوی اینترنت و دیگر فناوری های فیلترینگ برای تولید داده ها از آن استفاده می کنند برای همه کاربران ممکن نیست. در نتیجه، چالشی جدی برای اصل مسئولیت معرفتی و وظیفه گرایی معرفتی شکل می گیرد البته اگر به قید عملیاتی بودن کار در اصل مسئولیت توجه نشود. وقتی عنصر عملیاتی بودن برجسته می شود، مسئولیت شناسنده نیز مقید به قیدی می شود که تأثیر مستقیم بر نیل به باور صادق او می گذارد (Hofer, P.48). حال سؤال مطرح این است که چگونه می توان عملیاتی بودن اصل مسئولیت را ارتقا داد تا محصول کار، باورهای صادق تر باشد. افرادی همانند گولدمن تردید دارند که شناساگر بتواند این کار را به گونه ای مسئولانه و عملیاتی انجام بدهد، اما افراد دیگری همانند کودی دیدگاهی خوشبینانه تر به این مسئله دارند (Coady, P.281).

بدون آنکه بخواهیم به مباحث فنی الگوریتم ها در دنیای اینترنت وارد شویم، لازم است که رویه های حاکم بر فیلترینگ اینترنت برای برون داد اطلاعات و داده ها، محرمانه است و در بسیاری از موارد داده هایی که تولید می شد ناکافی است و عاری از غرض ها یا گرایش های خاص نیست (Goldman, P.92). اگر کاربران با الگوریتم های مربوط به فیلترینگ داده ها آشنا باشند وضعیت توجیهی باورها ارتقا پیدا می کند. از این منظر،

همان‌طور که افرادی همانند ویلیام تأکید دارند لازم نیست کاربر با جزئیات و شرح مفصل همه الگوریتم‌های فیلترینگ آشنایی داشته باشد بلکه باید بکوشد خودش را درمقابل این حباب‌های فیلتری برای تولید داده‌ها محافظت کند (Humphreys, P. 227).

درعین حال، کاربران می‌توانند از منابع موازی برای راستی‌آزمایی منابع داده‌ها و محتوای کیفی اطلاعات ارائه شده استفاده کنند. برخی از پایگاه‌های اینترنتی و تارنماها به هنگام درج موضوعی، آدرسی از لینک‌های مرتبط نیز ارائه می‌دهند که می‌توان با مراجعه به آنها، به بررسی مقایسه‌ای مطالب مبادرت کرد و این نگاه تطبیقی نیز می‌تواند عملکرد شناسنده را در مقام شناساگر مسئول ارتقا می‌دهد. نباید تصور شود وقتی از عنصر مسئولیت معرفتی و وظیفه‌گرایی معرفتی در دنیای سایبری سخن گفته می‌شود، با اضافه شدن عنصر مسئولیت، شناسنده باری غیرقابل تحمل را متقبل می‌شود که برای رسیدن به باور صادق باید به دوش بکشد و باید از همه ریز و بم‌های الگوریتم‌های اینترنتی و حباب‌های فیلتری اطلاع داشته باشد تا بتواند به باور صادق موجه برسد (Pariser, P. 106). این سخن، تفسیر حداکثری از اصل مسئولیت معرفتی در حوزه سایبری و در دنیای اینترنت است که به نوعی تعلیق به محال است و نه تنها گره‌ای باز نمی‌کند بلکه گره کوری بر این نقیصه معرفتی می‌زند و شناساگر را بیش از آنکه به سیل معرفت رهنمون شود به صحرای آشفستگی می‌رساند. در اینجا، آنچه اهمیت دارد توجه به وجه عملیاتی بودن مسئولیت معرفتی در حوزه سایبری است که فرد را باتوجه به شرایط و ملاحظات توضیح داده شده در فوق، در نیل به باور صادق، با تأکید بر عنصر مسئولیت معرفتی و وظیفه‌گرایی معرفتی، بر زین توسن معرفت می‌نشانند و نه اینکه او را از این اسب به زمین بکوباند.

یکی از ویژگی‌های عصر اطلاعات، انفجار اطلاعات است که اینترنت هم یکی از بستری‌های اصلی برای ظهور و نمود این انفجار اطلاعات است (Castells, P. 126). درواقع، شناسنده بدون داشتن مدیریت اطلاعات نمی‌تواند به مدیریت دانش برسد و همین مدیریت اطلاعات، تأثیر مستقیم بر شکل‌گیری باورهای صادق موجه او می‌گذارد. حجم اطلاعات و داده‌های موجود در دنیای اینترنت به حدی است که مغز انسان بدون داشتن الگوی مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش، نمی‌تواند از آن بهره‌برداری درست کند تا

بتواند در مسیر رسیدن به معرفت، از آنها استفاده کند (Jones, P.469). درست از همین منظر است که اصل توجه به مسئولیت معرفتی و وظیفه معرفتی بیش از پیش نمایان می‌شود چراکه شناسنده قرن بیست و یکمی مجبور است با ابری از داده‌های سیاه و سفید مواجه باشد و در میان این دو قطب و طیف‌های رنگی میان آن برای شکل دادن به باورهای صادق خود مبادرت کند. طبیعی است که حرکت در این مسیر پرفراز و نشیب، به توجه به اصل مسئولیت معرفتی نیاز بیش از پیش دارد.

همین نگاه به معرفت و ابزارهای لازم برای حصول به آن است که در مبحث‌هایی همانند معرفت‌شناسی فردی برجسته می‌شود. همان‌طور که در تعریف معرفت‌شناسی فردی گفته می‌شود، باید به سازوکارهای شناخت و رسیدن به دانش توجه داشت (Fagnant & Crahay, P. 266). پس از آنکه بحث معرفت‌شناسی فردی در حوزه معرفت باز شد، مدل‌ها و الگوهای مختلفی برای معرفت‌شناسی فردی مطرح شد. قطع نظر از تفاوت‌های موجود در این مدل‌ها وجه مشترک قابل توجه در این الگوها، توجه به اصل فرایندی و تدریجی بودن رسیدن به معرفت فردی است (Barbara & Hofer, p.118). بی‌تردید، حصول به این معرفت فردی بدون توجه به اصل مسئولیت معرفتی ناممکن است.

#### نتیجه

عصر جدید به علت همزمانی دوران انفجار اطلاعات و ظهور پدیده‌ای مدرن به نام اینترنت که افق‌های تازه‌ای را برای ارتباطات شبکه‌ای و تبادل اطلاعات به وجود آورده سبب شده است پرسش‌هایی در باره سازوکارهای حصول به معرفت از طریق دنیای مجازی اینترنت مطرح شود. بی‌تردید، اتکای بسیار به اینترنت در جایگاه یکی از اصلی‌ترین منابع کسب اطلاعات، موضوع جدی به نام اصالت منابع مدنظر برای شکل‌دهی به باورها را مطرح می‌کند. از این منظر، عامل شناسایی که به دنبال حصول به معرفت است صرفاً نمی‌تواند به تعریف سنتی باور صادق موجه در کسب معرفت از طریق دنیای سایبری اکتفا کند. از این منظر، اصل مسئولیت معرفتی و وظیفه‌گرایی معرفتی نیز باید مدنظر شناساگر باشد تا بتواند از وثوق منابع خود برای باورسازی‌های ذهنی خود بهره بگیرد. در نتیجه، نقش شناساگر در معادله معرفتی از گذشته پررنگ‌تر شده و بار

مسئولیت معرفتی او نیز سنگین‌تر شده است. البته این بار مسئولیت معرفتی به محدودیت‌های عملیاتی عامل شناساگر هم عنایت دارد و اصل مسئولیت را مقید به این چالش‌های عملیاتی می‌کند.

بی‌تردید، اگر عنصر مسئولیت معرفتی و وظیفه‌گرایی معرفتی در حوزه باورسازی سایبری لحاظ نشود، انبوه داده‌های موجود در فضای اینترنت به‌جای آنکه به شکل دهی به باورهای صادق منجر شود، سرابی در مسیر معرفت خواهد بود که انبوهی از باورهای کاذب را به وجود خواهد آورد. لذا، شایسته است باورنده یا شناساگر به هنگام حرکت در مسیر نیل به معرفت از طریق جستجوهای اینترنتی و بهره‌گیری از امکانات دنیای سایبری به نقش خود در قالب عامل مسئولیت‌پذیر توجه کند و با عنایت داشتن به وظیفه‌گرایی معرفتی که نیل به باور صادق موجه را وجهه همت خود کرده است، بکوشد از شیوه‌های مختلف راستی‌آزمایی بهره بگیرد تا بتواند در سایه آن از وثوق و اعتبار منابع خود اطمینان حاصل کند تا معرفت شکل گرفته مبتنی بر باور صادق باشد.

## منابع

- Barbara, K. & Hofer, G. M. S., "Epistemology, metacognition, and self-regulation: Musings on an emerging field," *Metacognition Learning*, 5, 113-120, 2010.
- Battelle, J., *The Search: How Google and Its Rivals Rewrote the Rules of Business and Transformed Our Culture*. New York: Penguin, 2005.
- Coady, D., "An Epistemic Defence of the Blogosphere," *Journal of Applied Philosophy*, 28(3): 277-94, 2011.
- Fagnant, A. & Crahay, M., "Theories of Mind and Personal Epistemology: Their Interrelation and Connection with the Concept of Metacognition," *European Journal of Psychology of Education*, 26(2), 257-271, 2011.
- Foley, R., "Justified Belief as Responsible Belief. In M. Steup and E. Sosa (eds)," *Contemporary Debates in Epistemology*, pp. 313-26. Malden, MA: Blackwell, 2005.
- Gettier, E. L., "Is justified True Belief Knowledge?" *Analysis* 23 (6), 121-123, 1963.
- Goldman, A., *Pathways to Knowledge*, Oxford, Oxford University Press, 2002.

- Goldman, "Reliabilism" In. E. N. Zalta (ed.), *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, 2011.
- Hofer, B. K., "Epistemological Understanding as a Metacognitive Process: Thinking Aloud During Online Searching," *Educational Psychologist*, 39(1), 43- 55, 2004.
- Hofer, B. K., & Pintrich, P. R. (Eds.), *Personal Epistemology: The Psychology of Beliefs about Knowledge and knowing*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc, 2004.
- Humphreys, P. , Network Epistemology, *Episteme*, 6(2): 221-9, 2009.
- Introna, L. & Nissenbaum, H., "Shaping the Web: Why the Politics of Search Engines Matters," *Information Society*, 16(3), 1-17, 2009.
- Jones, W., "Personal Information Management," *Annual Review of Information Science and Technology*, 41, 453- 504, 2007.
- Kornblith, H., "Justified Belief and Epistemically Responsible Action," *Philosophical Review*, 92(1),33-48, 1983.
- Origgi, G., "Designing Wisdom through the Web: The Passion of Ranking," In H. Landemore and J. Elster (eds), *Collective Wisdom: Principles and Mechanisms*, pp. 38- 55. Cambridge: CUP,2012.
- Pariser, E., "The Filter Bubble: What the Internet is Hiding from You," London: Penguin, 2011.
- Simon, J., "The Entanglement of Trust and Knowledge on the Web," *Ethics and Information Technology*, 12(4): 343- 55,2010.
- Simpson, T. W., "Evaluating Google as an Epistemic Tool," *Metaphilosophy*, 43(4): 426-45, 2012.
- Williams, M., *Problems of Knowledge: A Critical Introduction to Epistemology*, Oxford, OUP, 2001.